



بررسی رابطه فقر با خشونت و افراطی‌گری: بررسی موردی گروه تکفیری جهادی

علی بغیری^۱

چکیده

بسیاری بر این باورند که میان فقر و خشونت و افراطی‌گری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. یعنی هرچه فقر بیشتر احتمال خشونت و افراطی‌گری و پیوست به جریان‌های افراطی بیشتر می‌شود. برای بررسی این رابطه، در این مقاله، گروه تکفیری جهادی به عنوان یک جریان افراطی و خشونت‌گرا جهت بررسی موردی انتخاب شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد عده‌ای معتقدند فقر و تکفیری جهادی رابطه مستقیم با هم دارند. یعنی افزایش فقر موجب افزایش الحاق به جریان تکفیر جهادی می‌شود. در مقابل گروه دیگری بر این عقیده‌اند که این دو رابطه‌ای مشخص با یکدیگر ندارند. این گروه نشان داده‌اند که در مواقع بسیاری از تکفیری‌ها از افراد ثروتمند بوده‌اند و همچنین بسیاری از فقرا نه به تکفیر بلکه به کنار گذاشتن باورهای دینی وارد شده‌اند. سؤال اصلی مقاله آن است که چه رابطه‌ای میان فقر و تکفیر وجود دارد؟ برای این منظور تمرکز خود را بر بررسی گروه‌های تکفیری جهادی



شامل داعش، النصره و القاعده قرار دادیم. نتیجه پژوهش نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل موجب پیوستن جوانان به گروه‌های تفکیری شده‌اند و اینطور نیست که لزوماً فقر عامل روی آوردن به تکفیر و به عبارتی افراطی‌گری و خشونت باشد. واژگان کلیدی: فقر، تکفیر، داعش، القاعده، النصره



مقدمه

هدف ما در این مقاله بررسی رابطه فقر با خشونت و افراطی‌گری است. برای این منظور، ما گروه‌های جهادی تکفیری را انتخاب کرده‌ایم و این رابطه را در شکل‌گیری و یا عضوگیری این گروه‌ها بررسی خواهیم کرد. بنابراین سؤال اصلی در این مقاله آن است که چه رابطه‌ای میان فقر و خشونت و افراطی‌گری وجود دارد؟ و برای این منظور تمرکز خود را بر گروه‌های تکفیری قرار می‌دهیم که هم‌اکنون از فعالیت زیادی برخوردار هستند. داعش، النصرة و القاعدة نقاط مورد بررسی ما هستند.

در این مقاله ابتدا برخی از افراد این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند تا خواننده با وضعیت اقتصادی آن‌ها قبل از الحاق به این گروه‌ها آشنا شود. این بخش نیز به دو زیر مجموعه تقسیم می‌شود: بررسی سران و سربازان این گروه‌ها. در قسمت رابطه میان فقر و افراط‌گرایی در گزارشات آماری و تحقیقات کمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش بعد آمار مؤید رابطه مستقیم و آمار رد کننده رابطه میان فقر و تکفیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، تحلیل آماری نویسنده از اطلاعات گردآوری شده در بخش اول ارائه خواهد شد. در بخش چهارم، فرایند تأثیرگذاری فقر بر تکفیر بررسی می‌شود. در این بخش با نگاهی تحلیلی جامعه‌شناسانه و روانشناسانه به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چگونه فقر به تکفیر منتهی می‌شود؟ این بخش به ما کمک می‌کند تا گلوگاه‌های تبدیل فقر به تکفیر را شناسایی نمائیم و شناسایی این گلوگاه‌ها نیز کمک زیادی در مدیریت این فرایندها و پیشگیری از روی آوردن افراد به خشونت و افراطی‌گری خواهد نمود. در بخش پنجم، شرایط به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا تحت هر شرایطی فقر به تکفیر منتهی می‌شود؟ در این قسمت با دیدی جامع این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق معمول همه نوشته‌های علمی،



آخر کلام ما به نتیجه‌گیری، راهکارها و ملاحظات اختصاص داده شده است.

۱ وضعیت اقتصادی سران و سربازان قبل از ملحق شدن به گروه‌های تکفیری

۱.۱ رهبران

در این قسمت با نگاه به رهبران ۱۱ گروه تکفیری وضعیت اقتصادی آن‌ها قبل از پذیرش افکار تکفیری مرور خواهد شد.

۱.۱.۱ داعش

أبو بکر البغدادي الحسینی الهاشمی القرشی

وی تا پیش از کشته شدن توسط آمریکا، رهبری داعش را برعهده داشت. او در ۱۹۷۱ در نزدیک سامرا به دنیا آمد.^۱ وی تا سال ۲۰۰۴ در محله‌ای فقیرنشین به نام توبچی زندگی می‌کرد. این محله در حاشیه غربی بغداد قرار دارد و شیعیان و سنی‌مذهبان در آن زندگی می‌کنند.

وی در نوجوانی علاقه و استعداد زیادی به ورزش فوتبال داشته است. او فردی خجالتی و به دور از خشونت بوده است.^۲ بغدادی دارای مدرک دکتری مطالعات دینی از دانشگاه بغداد است. در این رابطه احمد الدباش، یکی از رهبران الجیش الإسلامی فی العراق، چنین گفته است:

«من در دانشگاه اسلامی با بغدادی بودم و هر دو یک رشته را می‌خواندیم. اما

^۱<http://www.theguardian.com/world/2014/jul/06/abu-bakr-al-baghdadi-isis>

^۲<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10948846/How-a-talented-footballer-became-worlds-most-wanted-man-Abu-Bakr-al-Baghdadi.html>



او دوست من نبود. او آرام و گوشه‌گیر بود و در تنهایی به سر می‌برد. مدتی بعد، او ما را در ایجاد الجیش الإسلامی یاری رسانید. من در میان رهبران نظامی قرار داشتم و برخی از خشونت‌بارترین عملیات‌ها را رهبری کردم. اما بغدادی در این میان نبود. من عادت داشتم که درباره اعضا اطلاعات لازم را بدست آورم. اما درباره بغدادی چندان اطلاعی نداشتم».^۱

ابومسلم الترکمنی

وی جانشین فرماندهی داعش در عراق و در کنار ابوعلی الانباری نفر دوم داعش است. وی در تلعفر استان نینوا در عراق به دنیا آمد. اکثر جمعیت این شهر را از ترکمن‌تباران تشکیل می‌دهند و ۷۰ درصد جمعیت این شهر سنی‌مذهب هستند. این شهر از وضعیت اقتصادی، رفاهی و بهداشتی مناسبی برخوردار نبوده است.^۲

او در زمان صدام، از فرماندهان نظامی مستقر در واحد استخبارات بعث بوده است.^۳ درباره گذشته وی اطلاعات چندانی در دست نیست، اما به‌طور قطع وی تا قبل از تهاجم آمریکا به عراق و روی کار قرار داشتن رژیم بعث به علت رده شغلی خود از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است.

^۱<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10948846/How-a-talented-footballer-became-worlds-most-wanted-man-Abu-Bakr-al-Baghdadi.html>

^۲McCone, David R.; Scott, Wilbur J. & Mastroianni, George R. (January 8, 2008), THE 3RD ACR IN TAL'AFAR: CHALLENGES AND ADAPTATIONS, Department of Behavioral Sciences & Leadership United States Air Force Academy, Colorado Springs.

^۳Leaster, Charles, Slamic State Senior Leadership: Who's Who.



ابوعلی الانباری

وی جانشین فرماندهی داعش در سوریه و در کنار ابومسلم الترمکینی نفر دو داعش است. او از فرماندهان نظامی ارشد در زمان صدام بود.^۱ بعد از حمله سال ۲۰۰۲ آمریکا به عراق به عضویت انصارالاسلام درآمد ولی به اتهام فساد مالی از آن خارج و به القاعده ملحق شد. نکته دیگر که در گزارشات دیده شده آن است که دانش مذهبی او به نسبت دیگر سران داعش کمتر است.^۲

این اطلاعات هرچند اندک است، اما نشان می‌دهد که الانباری قبل از پیوستن به گروه‌های تکفیری از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است.

عدنان لطیف حامد السویداوی

وی رئیس شورای نظامی داعش است^۳ که در ۱۹۶۵ در استان الانبار متولد شده است.^۴ وی از فرماندهان ارتش صدام بوده^۵ که در استخبارات دفاع هوایی نیز مدتی

1 Inside the leadership of Islamic State: how the new 'caliphate' is run: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10956280/Inside-the-leadership-of-Islamic-State-how-the-new-caliphate-is-run.html>

2 Brutal Efficiency: The Secret to Islamic State's Success: <http://www.wsj.com/articles/the-secret-to-the-success-of-islamic-state-1409709762>

3 «Military Skill and Terrorist Technique Fuel Success of ISIS». New York Times. 27 August 2014.

4 Heras, Nicholas A. (March 31, 2014), ABU AYMAN AL-IRAQI DIRECTS ISIS OPERATIONS IN EASTERN SYRIA, Volume: 5 Issue: 3 [http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews\[tt_news\]=42166&no_cache=1#.VFBiHek9Jy0](http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews[tt_news]=42166&no_cache=1#.VFBiHek9Jy0)

5 <http://www.nbcnews.com/storyline/iraq-turmoil/key-players-whos-who-battle-iraq-n130981>



اشتغال داشته است.^۱ او نیز تا قبل از تهاجم آمریکا، از وضعیت مالی مناسبی برخوردار بوده است.

أبو محمد العدناني

وی سخنگوی داعش است که در ۱۹۷۷ در شهر بنش در شمال سوریه به دنیا آمد. اغلب ساکنین این شهر سنی مذهب و ترک زبان هستند.^۲ در مورد پیشینه اقتصادی وی اطلاعاتی در دست نیست، ولی با توجه به موقعیت شهر محل زندگی وی، پیشینی می شود که وی از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نبوده است.

ابو عمر شیشانی

وی در ۱۹۸۶ در خانواده ای مذهبی در گرجستان به دنیا آمد. پدرش یک مسیحی ارتودوکس و مادرش مسلمان بوده است. در جوانی چوپان بوده و بعد از اتمام دبیرستان وارد ارتش شده و در جریان جنگ دوم چچن و در بین سال های ۲۰۰۶-۱۰ از فرماندهان نظامی قرار گرفته است.^۳ در جریان جنگ روسیه-گرجستان در سال ۲۰۰۸ به گروه های جهادی ملحق و از ارتش جدا شده است. در سال ۲۰۱۰ به جرم حمل غیرقانونی سلاح دستگیر و به ۳ سال حبس محکوم شد. اما بعد از ۱۶ ماه از زندان فرار کرد. در دوران زندان عقاید تکفیری وی شکل گرفته است. در این باره وی اذعان

¹Exclusive: Top ISIS leaders revealed:<http://english.alarabiya.net/en/News/2014/02/13/Exclusive-Top-ISIS-leaders-revealed.html>

²OWEIS, KHALED YACoub (Feb 15, 2013), Syrian opposition won't talk to officials linked to crackdown:<http://www.reuters.com/article/2013/02/15/us-syria-crisis-idUSBRE91E0L320130215>

³'Omar The Chechen' Should Come Home, Says Dad, 11 July 2014: <http://news.sky.com/story/1298930/omar-the-chechen-should-come-home-says-dad>



داشته «وقتی در زندان بودم با خدا عهد بستم که اگر از آن زنده بیرون آیم، برای او به جهاد خواهم پرداخت».^۱ بعد از آن به سوریه وارد شد و به همراه برادر بزرگترش، صلاح‌الدین الشیشانی، جیش‌المجاهدین را در سال ۲۰۱۲ تأسیس نموده‌اند.^۲ در سال ۲۰۱۳ این گروه به همراه جیش محمد و گروه کتائب خطاب، جیش‌المهاجرین و الانصار را تشکیل دادند.^۳

این اطلاعات نشان می‌دهد که وی تا قبل از پذیرش عقاید تکفیری از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است و در زمره فرماندهان نظامی قرار داشته.

۱۱.۱.۲ القاعده

اسامه بن لادن

وی فرزند محمد بن عوض بن لادن، میلیاردری فعال در عرصه صنعت ساختمان با ارتباطاتی با خاندان سلطنتی سعودی و دهمین همسرش، حمیده العطاس، بود. خانواده بن لادن ۵ میلیارد دلار از صنعت ساختمان سازی به دست آوردند که اسامه بعداً ۳۰-۲۵ میلیون دلار آن را به ارث برد.^۴

بن‌لادن بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۶ به مدرسه نمونه الثغر که سکولار و برای طبقه نخبگان

¹Cullison, Alan (19 November 2013). “Meet the Rebel Commander in Syria That Assad, Russia and the U.S. All Fear”. The Wall Street Journal.

²Murad Batal al-Shishani (3 December 2013), Syria crisis: Omar Shishani, Chechen jihadist leader: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-25151104>

³ROGGIO, BILL, Chechen commander forms ‘Army of Emigrants,’ integrates Syrian groups: http://www.longwarjournal.org/archives/2013/03/chechen_jihadist_for.php

⁴The Economist (May 5th 2011), Osama bin Laden: <http://www.economist.com/node/18648254>



بود پیوست. او در دانشگاه ملک عبدالعزیز اقتصاد و مدیریت کسب و کار تحصیل کرد و در مدیریت عمومی در ۱۹۸۱ با مدرکی در مهندسی عمران در ۱۹۷۹ فارغ التحصیل شد. در دانشگاه، بزرگترین علاقه بن لادن مذهب بود و در تفسیر قرآن و جهاد و کارهای عام المنفعه فعال بود. دیگر علایق او سرودن شعر و مطالعه بود و گفته شده آثار فیلممارشال برنارد مونتگومری و شارل دوگل را دوست داشته است. به فوتبال علاقه داشت و دوست داشت سانتر فوروارد بازی کند و هوادار باشگاه آرسنال بود.^۱

ایمن الظواهری

وی در سال ۱۹۵۱ در شهر معادی در نزدیکی قاهره در یک خانواده نسبتاً مرفه زاده شد. در سن ۲۳ سالگی و در رشته پزشکی از دانشگاه قاهره با درجه خیلی ممتاز (جید جداً) فارغ التحصیل شد. از او به عنوان دانشجوی درس خوان که از ورزش‌های خشن بیزار بوده، یاد شده است. او در ۱۴ سالگی به اخوان المسلمین پیوست. پس از اعدام سید قطب به اتهام خیانت به عضویت گروه حرکت جهاد اسلامی مصر درآمد. پس از ترور انور سادات، وی و همفکرانش در یک سری عملیات‌های پلیسی و امنیتی در مصر دستگیر و محاکمه شدند. در دادگاه از آنجا که وی مسلط به زبان انگلیسی بود به عنوان سخنگوی زندانیان جهاد اسلامی مصر انتخاب شد. سخنانی‌های آتشین وی در دادگاه باعث جلب افکار عمومی نسبت به وی شد. پس از آزادی از زندان وی از مصر خارج و به جهادیون عرب که در افغانستان مشغول جنگ با شوروی بودند پیوست. در افغانستان وی با اسامه بن لادن سعودی آشنا شد و در آنجا بود که شبکه القاعده پایه‌ریزی شد.^۲

^۱<http://www.mirror.co.uk/news/uk-news/osama-bin-ladens-body-guard-i-had-orders126430->

^۲<http://fa.wikipedia.org>



۱.۱.۳ جبهه النصره

أبو محمد الجولانی

وی رهبر این جبهه است که در سوریه زاده شده و به تدریس عربی فصیح می‌پرداخت. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۲ برای مقابله با آمریکا وارد عراق شد و به القاعده عراق پیوست. بنابراین وی قبل از تکفیری شدن از وضعیت اقتصادی متوسطی برخوردار بوده است.

۱.۱.۴ جنبش اسلامی ازبکستان

جو ما کاسیموف

وی در سال ۱۹۹۸ این جنبش را تأسیس نموده است. او در ۱۹۶۹ به دنیا آمد و در ۲۰۰۱ در مزارشریف کشته شد. تا قبل از ارتباط با تکفیری‌ها وی در ارتش شوروی اشتغال داشته و از چتربازان این ارتش در جنگ شوروی در افغانستان بوده است. لذا به نظر می‌رسد وضعیت معیشتی وی تا قبل از الحاق به افراط‌گرایان حداقل نامناسب نبوده است.

۱.۱.۵ حزب اسلامی ترکستان

حسن مخسوم

وی بنیانگذار و رهبر حزب اسلامی ترکستان بوده است که در کونیکزار ترکمنستان به دنیا آمد. او عضو جنبش استقلال ترکستان شرقی بوده است. در اواخر دهه ۲۰ زندگی خود، از مبلغان جهادی بوده است که به جذب نیرو علیه چین اقدام می‌ورزید.^۱

^۱Sichor, Yitzhak (2006). “Fact and Fiction: A Chinese Documentary on Eastern Turkestan Terrorism”. China and Eurasia Forum Quarterly (Cen-



وی در ۱۹۹۳ توسط پلیس چین دستگیر و زندانی شد و در ۱۹۹۷ از زندان فرار کرد. در ادامه با طالبان رابطه برقرار نموده و بن‌لادن در حدود ۳۰۰ هزار دلار آمریکا به حزب وی کمک مالی کرده است.^۱

۱.۱.۶ لشکر طیبه

حافظ محمد سعید

وی در ۱۹۵۰ در پنجاب به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و در جریان استقلال پاکستان به همراه دیگر بستگان به پاکستان مهاجرت کرده بودند. در طول این مهاجرت ۳۶ نفر از اعضای خانواده ایشان جان خود را از دست داده‌اند.^۲ محمود ضیاء الحق وی را به سمت استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه مهندسی و تکنولوژی پاکستان نائل ساخت. در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عربستان اعزام شدند و در آنجا به ایدئولوژی جهادگران افغان ملحق شدند.

بنابراین، آنچه مسلم است وی قبل از پذیرش ایده‌های تکفیری از وضعیت اقتصادی و سواد و دانش مناسبی برخوردار بوده است.

۱.۱.۷ جیش محمد

مولانا مسعود اظهر

وی در مارس ۲۰۰۰ این گروه را در کشمیر تأسیس نمود. استقلال کشمیر از هند هدف

tral Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program) 4 (2): pp.89–108.

^۱Raman. B (2005-01-27). “Paper no. 1232: Explosions in Xinjiang”. South Asia Analysis Group. Archived from the original on 2007-09-27.

^۲Swami, Praveen, Pakistan and the Lashkar’s jihad in India:<http://www.thehindu.com/todays-paper/tp-opinion/article1447211.ece>



اولیه آن‌ها بود. او در ۱۹۶۸ در بهاولپور پاکستان در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمد. پدرش مدیر یک دبیرستان دولتی بوده و سایر اعضای خانواده وی به کشاورزی اشتغال داشته‌اند. وی تحصیلات اسلامی خود را در کراچی گذرانیده است و بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی به مجاهدین پیوسته و به دلیل تسلط به زبان اردو و عربی از نویسندگان مجلات مربوط به آن‌ها بوده است.^۱ لذا، به نظر می‌رسد که وضعیت اقتصادی وی تا قبل از الحاق به تفکرات تکفیری مناسب بوده است.

۱.۱.۸ جماعت انصار التوحید اندونزی

ابوبکر بشیر

وی در سال ۲۰۰۸ این گروه را تأسیس نمود. ابوبکر بشیر در جومبانگ در جاوای شرقی در ۱۹۳۹ به دنیا آمد. وی کلیه مراتب تحصیلاتی خود را در مؤسسات اسلامی و در علوم اسلامی در اندونزی سپری نموده است. او از همان ابتدا به صورت علنی و غیرعلنی در بالاترین سطوح جنبش‌های اسلامی متعددی - مثل سازمان دعوت دانشجویان اندونزی و مدرسه اسلامی المکمین - در اندونزی به فعالیت پرداخته است. بدین ترتیب، بشیر تا قبل از اتحاد با القاعده، از جایگاه اقتصادی و سیاسی مناسبی در میان جنبش‌های شرق آسیا برخوردار بوده است.

۱.۱.۹ بوکوحرام

محمد یوسف

وی در ۱۹۷۰ در روستای گیرگیر در ایالت یوب نیجریه به دنیا آمده است و در سال

^۱«Maulana Masood Azhar». Kashmir Herald (kashmiri-pandit.org) 1 (8). January 2002.



۲۰۰۹ کشته شد. در سال ۲۰۰۲ گروه مذکور را تأسیس نمود.^۱ این ایالت یکی از بزرگترین بازارهای فروش احشام در آفریقای غربی است که از وضعیت مناسبی برای کشاورزی، ماهیگیری و استخراج معادن برخوردار است.

محمد یوسف ۴ همسر و ۱۲ فرزند داشته است. وی از تحصیلات دینی برخوردار و به زبان انگلیسی مسلط بوده است و زندگی مرفه و پر زرق و برق را داشته است.^۲

ابوبکر شکائو

وی قائم مقام محمد یوسف بوده که بعد از مرگ وی رهبری این گروه را بر عهده دارد.^۳ وی یک مذهبی کانوئی است که البته به زبان‌های عربی و انگلیسی نیز صحبت می‌کند. او در روستای شکائو در ایالت یوب به دنیا آمده است.^۴ وی به تئوری‌پرداز این گروه مشهور بوده است. به نظر می‌رسد که تا قبل از الحاق به بوکوحرام، وی از وضعیت اقتصادی مناسبی به نسبت سایر مردم نیجریه برخوردار بوده است.

۱.۱.۱۰ ابوصیاف

عبدالرزاق ابوبکر جنجلانی

وی مؤسس این گروه است که در ۱۹۵۹ در خانواده‌ای مسیحی-اسلامی در فیلپین

¹Boko Haram: The Emerging Jihadist Threat in West Africa, December 12, 2011: <http://www.adl.org/combating-hate/international-extremism-terrorism/c/boko-haram-jihadist-threat-africa.html>

²Nigeria sect head dies in custody: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/8177451.stm>

³Nigeria sect leader defends killings in video, Jan 12, 2012: <http://af.reuters.com/article/topNews/idAFJOE80B01D20120112>

⁴Nigeria's Boko Haram leader Abubakar Shekau in profile, 9 May 2014: <http://www.bbc.com/news/world-africa-18020349>



به دنیا آمد. او در ۱۹۹۸ کشته شد. گرچه وی در خانواده و محله‌ای فقیر به دنیا آمد ولی به معلمی اشتغال داشته و تحصیلات دینی و زبان عربی خود را در لیبی، سوریه و عربستان در دهه ۱۹۸۰ کامل ساخته است. همچنین بن‌لادن برای سازمان وی، ۶ میلیون دلار اعطا نموده بود. سطح تحصیلات و گذراندن تحصیلات در سایر کشورها نشان می‌دهد که وضعیت معیشتی وی مناسب بوده است.

خدافی ابوبکر جنجلانی

وی برادر عبدالرزاق ابوبکر بوده که بعد از وی رهبری گروه را بر عهده گرفته است. وی در ۱۹۷۵ در یکی از فقیرترین و کوچکترین شهرهای فیلیپین به نام ایزابلا به دنیا آمد. این شهر همواره درگیر منازعات استقلال‌طلبانه بوده است.

۱.۱.۱۱ امارت قفقاز

دوکا عمروف

وی مؤسس این گروه در سال ۲۰۰۷ بوده که در ۱۹۶۴ در خانواده‌ای روشنفکر در چچن به دنیا آمده است و در ۲۰۱۳ کشته شد.^۱ در دوران نوجوانی بین سال‌های ۸۲-۱۹۸۰ او به اوباش‌گری، خودکشی و آدم‌کشی متهم بوده است.^۲ وی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی ساختمان در مؤسسه نفت گرونزی سپری نموده است.^۳ او

^۱Latest Report Of Umarov's Death Leaves Details Unclear:<http://www.rferl.org/content/caucasus-report-umarov-death/25301540.html>

^۲Kevin Daniel Leahy, From Racketeer to Emir: A Political Portrait of Doku Umarov, Russia's Most Wanted Man, Caucasian Review of International Affairs, Vol. 4 (3) - Summer 2010:http://www.cria-online.org/12_4.html

^۳Statement of Presidential Administration of Chechen Republic of



سپس به مسکو نقل مکان نموده و در آنجا نیز در ساختمان‌سازی اشتغال داشته است.^۱ همچنین، وی در مسکو در اقدامات نیمه‌جنایی شرکت داشته است.^۲ با شروع جنگ چچن در ۱۹۹۴ وی به صف مقابله با صرب‌ها وارد شده است. از نکات دیگر در زندگی وی آن است که بسیاری از بستگان درجه اول وی یا ربوده و یا کشته شده‌اند.^۳ بنابراین، وضعیت اقتصادی وی تا قبل از نزدیک شدن به تکفیری‌ها مناسب بوده است.

۱.۲ سربازان

در مورد سربازان گروه‌های تکفیری نیز تنوع اقتصادی وجود دارد. بسیاری از آن‌ها تا قبل از پیوستن به این گروه‌ها از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بوده‌اند. به عنوان مثال، نزار طرابلس بازیکن یکی از تیم‌های آلمان بوده است که به النصره سوریه پیوست. همچنین، ابوعیسی آندلس نیز بازیکن پرتغالی تیم آرسنال بوده که به داعش پیوست. این افراد از میزان رفاه اقتصادی متوسط به بالایی برخوردار بوده‌اند ولی به افراط‌گرایی دچار شده و از ۹۰ کشور به داعش ملحق شده‌اند. ۳۴۰۰ غری، ۱۵۰ شهروند آمریکا و بیش از ۶۰۰ زن و دختر آلمانی ما بین سنین ۱۶-۲۷ سال به داعش ملحق شده‌اند. البته باید توجه نمود که این افراد گرچه به نسبت سایر افراد ملحق‌شده به گروه‌های تکفیری از وضعیت اقتصادی مناسب‌تری برخوردار هستند،

Ichkeria, 21 June 2006: <https://web.archive.org/web/20060707092252/http://www.chechenpress.co.uk/english/news/2006/06/23/01.shtml>

^۱Latest Report Of Umarov's Death Leaves Details Unclear". Rferl.org. 25 August 2013.

^۲Dokka Umarov :A Hawk Flies to the Ichkerian Throne". Prague Watch-dog. 20 June 2006.

^۳Doku Umarov's father killed in Chechnya, Caucasian Knot, 20 April 2007; accessed 18 March 2014: <http://eng.kavkaz-uzel.ru/articles/5716>



ولی در مقایسه با وضعیت اقتصادی مورد تصور خود در یک کشور غربی از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده‌اند. از این‌رو، در مورد سربازان عمدتاً ملحق شده از غرب باید گفت که یا عامل اقتصاد رابطه‌ای با این الحاق نداشته است و یا اگر داشته در قالب تئوری محرومیت نسبی بوده است.

با این حال، اغلب داعشی‌های غربی اصالتاً برای کشورهای جهان سوم هستند. اما در رابطه با پیوستن افراد از کشورهای غیرتوسعه‌یافته به گروه‌های تکفیری عامل اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود. به عنوان مثال، فقر و اعطاء پول از جانب گروه‌های تکفیری به عنوان یکی از دلایل اصلی پیوستن افرادی از تاجیکستان به داعش برشمرده شده است.^۱ سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز از وضعیت نامناسب اقتصادی رنج می‌برند و از این‌رو، بسیاری از افراد این کشورها برای حل مشکلات اقتصادی خود و کسب درآمد برای خانواده خود به این گروه‌ها ملحق می‌شوند.^۲

۲ آمار موجود از رابطه فقر و تکفیری‌گری

آمار مشخص در رابطه با الحاق رهبران و سربازان به گروه‌های تکفیری در دست نیست و گزارشات آماری در دسترس به صورت اختصاصی به بررسی این موضوع نپرداخته‌اند. عدم وجود اطلاعات دقیق از افراد تا قبل از الحاق به این گروه‌ها یکی از دلایل این امر است. با این حال، مؤسسات تحقیقاتی در صدد جمع‌آوری آمار کلی‌تری برآمده‌اند که رابطه میان فقر و افراط‌گرایی مذهبی را نشان می‌دهد. ولی این نیز نقصان اصلی این آمار نیست. نقصان اصلی این آمار آن است که

1 <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/350228/>

2 <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931010000390>



اعتقادات شدید مذهبی را با افراط‌گرایی برابر دانسته‌اند و حتی در مواردی اعتقادات مذهبی را با افراط‌گرایی یکی دانسته‌اند. با این حال، این آمار نیز به دو دسته متضاد تقسیم می‌شوند:

۲.۱ آمار مؤید رابطه فقر و افراط‌گرایی

نظرسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۱۲ یکی از مشهورترین این آمارها است. طبق این نظرسنجی ۸۵ درصد از شهروندان ۱۰ کشور اول مذهبی دنیا، خود را مذهبی می‌دانند. این ۱۰ کشور جزء کشورهای هستند که فقر آنها افزایش یافته است و سرانه آنها کمتر از ۱۴۱۰۰ دلار است. این نشان می‌دهد که در شرایط فقر، نگرش‌های مذهبی توسعه می‌یابند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که در اروپا و آمریکا تعداد باتقوایان مذهبی کم شده است.

نمونه دیگر آماری در گزارش مرکز تحقیقات فتا در سال ۲۰۱۲ مشاهده می‌شود. این گزارش بین فقر، کمبود فرصت‌های آموزشی، بیکاری به‌ویژه در میان جوانان و افراط‌گرایی مذهبی رابطه‌ای قوی برقرار است.

۲.۲ آمار رد کننده رابطه فقر و افراط‌گرایی

این آمار در مقایسه با آمار مؤید از کمیت کمتری برخوردار هستند. نتایج تحقیقات «شبکه تحقیقاتی علوم اجتماعی» نشان داده است که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های زیاد در پاکستان، همچنان گرایش به افراط‌گرایی زیاد است. این تحقیق نشان داده که پاکستانی‌های مرفه و آموزش دیده گرایش بیشتری به افراط‌گرایی دارند.^۱

^۱Does Poverty Cause Extremism?: <http://borgenproject.org/poverty-cause-extremism/>



۳ تحلیل آماری

هیچ گزارش دقیق آماری وجود ندارد که رابطه میان فقر و تکفیر را در سطوح مختلف تکفیری نشان دهد.

از بررسی آماری به عمل آمده توسط محقق نتایج زیر بدست آمده است:

جدول ۱: وضعیت اقتصادی و دانش دینی رهبران گروه‌های تکفیری تا قبل از

الحاق به این گروه‌ها



ردیف	نام	نام گروه	وضعیت اقتصادی تا پیش از الحاق	وضعیت سواد دینی تا پیش از الحاق	ملاحظه
۱	ابوبکر البغدادی	داعش	متوسط به بالا	زیاد	دارای دکترای مطالعات دینی از دانشگاه بغداد
۲	ابومسلم الترمینی	داعش	متوسط به بالا	کم	در زمان صدام یک نظامی بعثی بوده است.
۳	ابوعلی الانباری	داعش	متوسط به بالا	کم	قبلا در القاعده عضویت داشته است.
۴	عدنان لطیف حامد السویداوی	داعش	متوسط به بالا	کم	در زمان صدام یک نظامی بعثی بوده است.
۵	أبو محمد العدناني	داعش	کم	-	-
۶	ابو عمر شیشانی	داعش	متوسط	متوسط	قبلا از فرماندهان نظامی چچن بوده است.
۷	اسامه بن لادن	القاعده	خیلی بالا	زیاد	وی مهندس بوده است.
۸	ایمن الظواهری	القاعده	بالا	خیلی زیاد	وی پزشک بوده است.
۹	أبو محمد الجولاني	جبهه النصره	متوسط	-	وی مدرس زبان عربی بوده است.
۱۰	جوما کاسیموف	جنبش اسلامی ازبکستان	متوسط	-	قبلا عضو ارتش شوروی بوده است.



۱۱	حسن مخسوم	حزب اسلامی ترکستان	پائین	زیاد	-
۱۲	حافظ محمد سعید	لشکر طیبه	بالا	زیاد	قبلا استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه بوده است.
۱۳	مولانا مسعود اظهر	جیش محمد	متوسط	زیاد	-
۱۴	ابوبکر بشیر	جماعت انصار التوحید اندونزی	بالا	زیاد	-
۱۵	محمد یوسف	بوکو حرام	بالا	زیاد	-
۱۶	ابوبکر شکائو	بوکو حرام	بالا	زیاد	-
۱۷	عبدالرزاق ابوبکر جنگلانی	ابوصیاف	متوسط	زیاد	-
۱۸	خدافی ابوبکر جنگلانی	ابوصیاف	پائین	کم	-
۱۹	دوگا عمروف	امارت قفقاز	بالا	خیلی کم	وی در جوانی اتهامات تبهکارانه داشته است.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، تنها یک رهبر بوده که از وضعیت اقتصادی خیلی بالا برخوردار بوده. به عبارت دیگر، تنها ۵٫۲۶ درصد از رهبران از وضعیت اقتصادی خیلی بالایی برخوردار بوده‌اند.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، تنها دو رهبر بوده‌اند که از وضعیت اقتصادی پائین برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، تنها ۱۰٫۵ درصد از رهبران از وضعیت اقتصادی پائین برخوردار بوده‌اند.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، ۹ رهبر بوده‌اند که از وضعیت اقتصادی متوسط یا متوسط به بالا برخوردار بوده‌اند. اغلب رهبران یعنی ۴۷٫۳۶ درصد، در



این گروه جای می‌گیرند.

با توجه به این تحلیل آماری، نمی‌توان میان وضعیت اقتصادی و گرایشات تکفیری در رهبران ارتباط معناداری برقرار نمود.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، ۱۰ رهبر بوده‌اند که از سواد دینی زیاد یا خیلی زیاد برخوردار بوده‌اند. اغلب رهبران یعنی ۵۲٫۶۳ درصد، در این گروه جای می‌گیرند.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، وضعیت سواد دینی ۳ رهبر مجهول بوده است.

از ۱۹ رهبر مورد مطالعه قرار گرفته، ۵ رهبر بوده‌اند که از سواد دینی کم برخوردار بوده‌اند که برابر می‌شود با ۲۶٫۳۱ درصد، اغلب آن‌ها ($\frac{2}{3}$) داعشی هستند.

با توجه به این تحلیل آماری، نمی‌توان میان وضعیت سواد دینی و گرایشات تکفیری در رهبران ارتباط معناداری برقرار نمود.

بنابراین، در سطح رهبران تکفیری، گرایشات مذهبی بیش از عامل اقتصاد تعیین‌کننده هستند.

بررسی رابطه اقتصاد یا دانش دینی با تکفیر در رابطه با سربازان بسیار دشوارتر می‌شود، زیرا هیچ آماری نسبتاً مناسبی از وضعیت سربازان این گروه‌ها در دسترس نیست. با این حال، تحلیل کارشناسی حاصل از بررسی چند نمونه نتایج زیر را تأیید نموده است.

الگوهای رابطه‌ای فقر- تکفیر کشورهای پیشرفته با کشورهای فقیر متفاوت هستند. در اولی فقر مطلق کمرنگ‌تر است و تبعیض و محرومیت نسبی پررنگ‌تر است. در دومی فقر مطلق از میزان تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است.

علی‌رغم عدم وجود رابطه معنادار میان اقتصاد و تکفیرگری در رهبران، در سطح



سربازان این رابطه وجود دارد که البته در دو قالب رابطه مستقیم فقر مطلق و تکفیر و رابطه مستقیم محرومیت نسبی با تکفیر وجود دارد.

۴ مکانیزم تبدیل فقر به تکفیری گری

در این قسمت چگونگی مبدل شدن یک فرد فقیر به تکفیری گری و حرکت وی در مسیر اقدام انتحاری مورد تحلیل جامعه‌شناسانه و روانشناسانه قرار می‌گیرد. فقر به ترتیب و با طی مراحل زیر به تکفیرگری و نقطه اوج آن، یعنی عملیات انتحاری، تبدیل می‌شود.

۴.۱ مقابله قانونی با فقر

فقر ابتدا انسان را به تلاش برای مقابله با آن فرا می‌خواند. در این مرحله، فرد سعی می‌کند تا ابتدا با استفاده از فعالیت‌های قانونی به کسب درآمد مناسب واصل گردد. بنابراین، اگر افرادی به خواسته خود فقر را انتخاب کرده باشند و در راه مقابله با آن تلاشی صورت نداده باشند، احتمالاً در مراحل بعدی به تکفیری گری دچار نمی‌شوند، زیرا این افراد یا از فقر خود لذت می‌برند و یا آنقدر سست و تبیل هستند که کار نمی‌پردازند و تکفیرگری جهادی مورد نظر ما نیز به فعالیت زیادی نیاز دارد. لذا کسی که اهل کار نیست، اهل پیوستن به گروه‌های تکفیری و انجام اقدامات سخت نظامی نیز نیست.

۴.۲ مقابله فردی غیر قانونی با فقر

در صورتی که فرد نتواند با فعالیت‌های قانونی به مقابله با فقر اقدام ورزد، رفته رفته به انجام فعالیت‌های غیرقانونی روی می‌آورد. از این‌رو، بسیاری از تکفیری‌ها تا



قبل از لحاق به گروه‌های تکفیری، از سوابق بزهکاری برخوردار بوده‌اند. اگر افراد درگیر فقر، از مایه‌های مذهبی برخوردار باشند، تا جای امکان برای کسب درآمد از انجام فعالیت‌هایی که با عقاید آن‌ها در تضاد است، اجتناب می‌ورزند. این افراد بیشتر به نقض قوانین دولتی اقدام می‌ورزند. در این مرحله، فرد سعی دارد تا به صورت شخصی به این اقدامات دست زند. اما اگر اقدامات فردی غیرقانونی برای کسب درآمد ناکافی باشد، فرد وارد مرحله بعدی می‌شود.

۴.۳ پیوستن به گروه‌های غیرقانونی

در این مرحله است که افراد برای کسب درآمد به الحاق به گروه‌های قانون‌شکن نیازمند هستند. از این‌رو، بسیاری از تکفیری‌ها تا قبل از آن، در گروه‌های قاچاق سلاح، نژادپرست و گروه‌های استقلال‌طلب مشغول به فعالیت بوده‌اند. این گروه‌ها برای توجیه اقدامات خود به عقاید موجود در جامعه خود متوسل می‌شوند. توجیه اقدامات غیرقانونی با هدف وارد ساختن ضربه به مصوبان اصلی فقر مردم، دشمنان خدا و دشمنان بشریت افراد را نه تنها از جسارت لازم برای ادامه دادن اقدامات غیرقانونی خود برخوردار می‌سازد، بلکه در این گروه‌ها افراد می‌فهمند که تنها نیستند و جماعت دیگری نیز پشتوانه آن‌ها هستند. در این گروه‌ها هم‌افزایی لازم برای اقدامات غیرقانونی بعدی ایجاد می‌شود. به علاوه، حتی اگر فردی برای مدت مشخصی و با هدف کسب درآمد وارد این گروه‌ها شده باشد، بعد از مدتی خروج از آن گروه ناممکن می‌شود، زیرا خروج از آن با عواقب شدیدی از ناحیه سایر افراد گروه به وی همراه است و لذا فرد سعی می‌کند در عوض خروج از گروه، توجیحات پذیرفته شده برای اقدامات غیرقانونی گروه را برای خود درونی و از حالت یک نظر به عقیده مبدل سازد. این مرحله را باید نقطه عزیمت فقر به افراط‌گرایی دانست. اگر



بتوان از ورود افراد فقیر به این مرحله ممانعت به عمل نیاید به احتمال زیاد دیگر نمی‌توان از ایجاد تکفیرگری جلوگیری نمود. البته باید دقت نمود که همه گروه‌های تبهکاری به تکفیرگری منجر نمی‌شوند. تکفیرگری نیاز به شرایطی ویژه نیز دارد که در بخش خود مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این حال، الحاق به این گروه‌ها در مواقع زیادی جسارت لازم را برای الحاق به گروه‌های تکفیری‌گری فراهم می‌آورد. در جوامعی مذهبی، این گروه‌ها برای توجیه اقدامات خود به عقاید مذهبی رجوع بیشتری دارند. از این‌رو، فرد با پیوستن به این گروه‌ها می‌تواند بعضاً با افراد دیگری هم آشنا شود که از زمینه‌های تکفیری برخوردار هستند.

۴.۴ پیوستن به گروه‌های تکفیری

عبور از مرحله قبل به این مرحله به چند دلیل رخ می‌دهد:

۱. کسب پشتیبانی برای خروج از گروه‌های تبهکارانه: افراد ممکن است بعد از الحاق به گروه‌های غیرقانونی به درآمد مناسب برای امرار معاش دست یابند و از این‌رو، دیگر ضرورتی برای ماندن در این گروه‌ها برای خود نبینند. مشکل آنجاست که خروج از این گروه‌ها به راحتی ممکن نیست و بسیاری از افراد برای این خروج به حمایت گروه‌های تکفیری نیاز دارند.

۲. آرام ساختن خود: در بسیاری از مواقع توجیهات گروه‌های تبهکاری برای اقدامات خود نمی‌تواند رضایت قلبی افراد را در بر داشته باشد و از این‌رو، حتی افراد بعد از وصول به درآمد مناسب، باز هم ناخرسند هستند. در این شرایط آن‌ها به دنبال راهی برای پاک ساختن خود از گناهانی هستند که برای کسب درآمد انجام داده‌اند. این شق به‌ویژه برای افرادی محقق می‌شود که از مایه‌های مذهبی برخوردار هستند. الحاق به گروه‌های تکفیری و جانفشانی در راه عقاید دینی به عنوان



راهی برای پاک شدن آن‌ها از گناه و ایجاد رضایت قلبی محسوب می‌شود.

۳. عبور از نیازهای اقتصادی: طبق سلسله مراتب نیاز مازلو، ورود به یک دسته از تقاضاها نیازمند محقق شدن تقاضاهای قبلی است. تقاضاهای سیاسی و ایدئولوژیک مورد توجه قرار نمی‌گیرند، مگر آنکه تقاضاهای دست پائین‌تر اقتصادی پوشش داده شده باشند. از این‌رو، خیلی از افراد نه برای کسب درآمد بلکه برای رسیدن به قدرت سیاسی و مذهبی یا کسب هویت به گروه‌های تکفیری ملحق می‌شوند. این موضوع به‌ویژه در پیوستن رهبران به گروه‌های تکفیری مشاهده می‌شود.

۴. کسب درآمد بیشتر: این موضوع به دو صورت محقق می‌شود:

عدم توانایی از ورود به مرحله دوم (مقابله غیرقانونی با فقر) به بعد: بسیاری از افراد قادر به ورود به مرحله دوم نیستند. این ممکن است به دلیل قدرت دولت‌ها در کنترل اقدامات غیرقانونی یا عدم دسترسی فرد به گروه‌های غیرقانونی باشد. علت دیگر می‌تواند به عقاید مذهبی آن‌ها گره خورده باشد. عقاید مذهبی آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا به اقدامات غیرقانونی برای کسب درآمد دست زنند، از همین‌رو، بسیاری از افراد تکفیری تا قبل افراد آرام و خوبی برای جامعه و مردم بوده‌اند و کسی را اذیت و آزار نکرده‌اند.

عدم دستیابی به درآمد مورد نیاز در گروه‌های تبهکاری: ممکن است که افراد وارد گروه‌های تبهکاری نیز شده باشند ولی این گروه‌ها نتوانند درآمد مورد نیاز آن‌ها را تأمین کند. برخی از افراد نیز به این دلیل به گروه‌های تکفیری ملحق می‌شوند.

۴.۵ تبیین تکفیر در اقدام انتحاری

اقدام انتحاری را باید نقطه اوج تکفیری‌گری دانست که به ترتیب اولویت به ۴ دلیل صورت می‌گیرد: (۱) رسوخ شدید عقاید تکفیری به فرد؛ (۲) عدم توانایی خروج



از گروه‌های تکفیری و ناچار شدن فرد؛ (۳) تهدید و اجبار؛ (۴) تطمیع.

۱. رسوخ شدید عقاید تکفیری به فرد: صرف نظر از آنکه فرد با چه نیتی - اقتصادی، سیاسی، دینی - وارد تشکیلات تکفیرگری شده باشد، بعد از مدتی آموزش‌های عقیدتی و جو سازمانی و تشکیلاتی این گروه‌ها می‌تواند عقاید تکفیری را به اولویت اول و یا حتی تنها اولویت زندگی فرد مبدل سازند. در این شرایط فرد حتی تمامی سوابق فکری و نیازهای اقتصادی خود را کنار می‌گذارد و تنها به فکر آن است که در نظام عقیدتی تکفیری از درجه والائتری برخوردار شود و این را تنها وظیفه خود می‌داند. از این‌رو، انجام اقدامات انتحاری و کشتن مردم بی‌گناه برای وی امری نه تنها عادی، بلکه ضروری تلقی می‌شود که رضایت خداوند را به همراه دارد!

۲. عدم توانایی خروج از گروه‌های تکفیری و ناچار شدن فرد: خروج از گروه‌های تکفیری به مراتب دشوارتر از خروج از گروه‌های تبهکاری است، زیرا این گروه‌ها از توجیحات قوی‌تری برای حفظ افراد در خود برخوردار هستند و به شدت احساسات مذهبی افراد را بر می‌انگیزانند. به علاوه، افراد برای خروج از آن‌ها نمی‌توانند به گروه‌های تبهکاری یا سایر گروه‌ها متوسل شوند، زیرا تشکیلات گروه‌های تکفیری به شدت قوی‌تر از گروه‌های رقیب خود است. به علاوه، افراد نمی‌توانند به دولت‌ها رجوع کنند، زیرا خود آن‌ها در معرض اتهام قرار دارند و می‌توانند از جانب دولت و قانون مورد تنبیه شدید قرار گیرند. به همین دلیل بسیاری از افراد ملحق شده به داعش در کشورهای غربی امکان بازگشت به کشور خود را ندارند. قوانین شرایط سختی را برای بازگشت و تنبیه آن‌ها فراهم آورده است. از این‌رو، حتی اگر یک فرد بعد از مدتی به دلایلی همچون برطرف شدن نیازهای اقتصادی یا سیاسی و ایدئولوژیک خود خواهان خروج از گروه‌های تکفیری باشد، این امر عملاً غیرممکن است.

از این‌رو، بسیاری از افراد تکفیری هیچ راهی برای خروج جز خودکشی و انجام



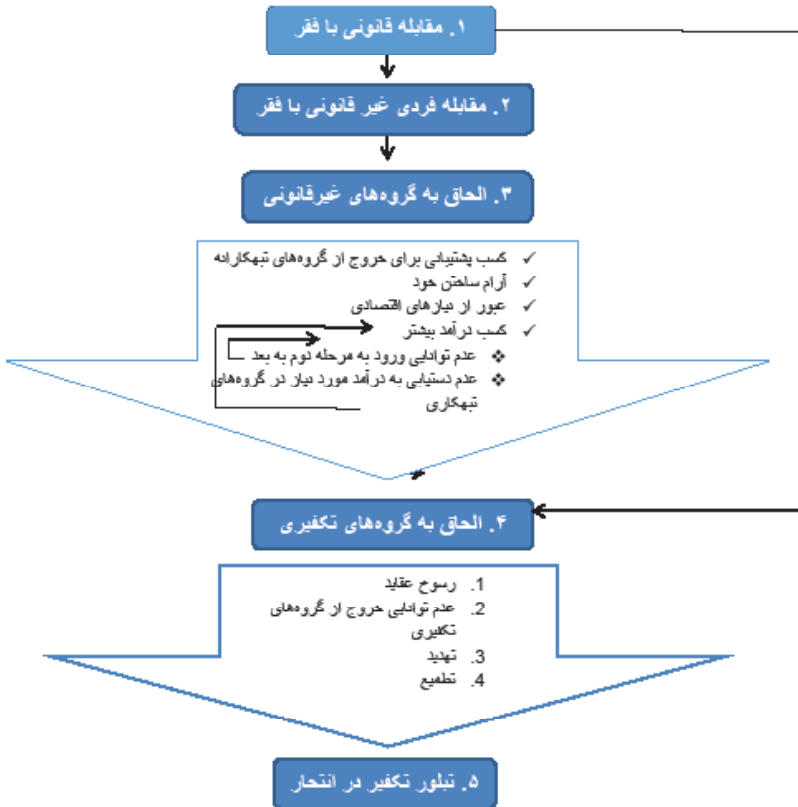
عملیات انتحارینمی‌بینند. علی‌رغم آن‌که بسیاری از افراد انتحاری تحت غلبه عقاید تکفیری به این اقدام دست می‌زنند، اما عده‌ای هم هستند که از روی ناچاری و برای نجات از این گروه‌ها مجبور به این اقدامات می‌شوند.

۳. تهدید و اجبار: تهدید و اجبار هرچند به نسبت دو عامل قبل از اهمیت کمتری برخوردار است، اما نمی‌توان این گزینه را در انجام اقدامات انتحاری کنار گذاشت. ممکن است فرد به خاطر ترس از وارد شدن صدمه به خانواده یا آبروی خود به این اقدام دست زند.

۴. تطمیع: تطمیع نیز علت آخری است که فرد را به اقدام انتحاری فرا می‌خواند. بسیاری از افراد حتی بعد از پیوستن به گروه‌های تکفیری نیز از کسب درآمد لازم برای خود و خانواده‌های خود محروم می‌مانند و از این‌رو با وعده و وعید دادن پول و امکانات به خانواده وی به عملیات انتحاری اقدام می‌ورزند.



شکل ۱: مکانیزم تبدیل فقر به تکفیر



تصویر بالا با تحلیل روانشناسانه و جامعه‌شناسانه مراحل تبدیل فقر به تکفیرگری را نشان می‌دهد. این مکانیزم محتمل‌ترین مکانیزم است و لذا احتمال وجود مکانیزم‌های دیگر را نفی نمی‌کند.



۵ شرایط ایجاد تکفیر گری

نیمی از مردم جهان زیر خط فقر زندگی می‌کنند که ۹۵ درصد آن‌ها در کشورهای در حال توسعه هستند. اما، چرا همه این مردمان به تکفیر روی نمی‌آورند؟ چرا همه این کشورها دچار تکفیر نیستند؟ در پاسخ به این سؤال باید شرایط ظهور و بروز تکفیری‌گری را مورد بررسی قرار داد.

۵.۱ وجود بسترهای مذهبی

معمولاً تکفیری‌ها از سابقه مذهبی برخوردار هستند. ممکن است آن‌ها تا قبل حتی غیرمسلمان بوده باشند ولی در زمان تکفیر الزاماً همه آن‌ها مسلمان شده‌اند. این‌رو، جوامع مذهبی معمولاً بیش از سایر جوامع در معرض فعالیت‌های تکفیری قرار دارند. هر جامعه از آفتی متناسب با خود مورد تهدید قرار می‌گیرد. در جوامع غیرمذهبی، گروه‌های افراط‌گرا در قالب‌های دیگری مثل نژادپرستی، ناسیونالیسم افراطی و شیطان‌پرستی ظهور و بروز می‌یابند، اما آفت جوامع مذهبی افراط‌گرایی مذهبی است. بسیاری از تکفیری‌ها از گذشته اقتصادی نامناسبی برخوردار نبوده‌اند ولی باز هم تکفیری شده‌اند. در این موارد گرایش‌های مذهبی را باید ریشه اصلی تکفیر دانست. ولی برای آنان‌که در ابتدا به دلایل اقتصادی به این گروه‌ها ملحق شده‌اند نیز نمی‌توان ریشه‌های مذهبی را کتمان نمود، چراکه آن‌ها نیز می‌توانستند برای حل مشکلات اقتصادی خود به روش‌ها یا مستمسکات دیگری روی آورند. رجوع آن‌ها به گروه‌های تکفیری - که داعیه‌دار مذهب هستند - معمولاً از گرایش‌های عقیدتی آن‌ها نشأت می‌گیرد.



۵.۲ فهم نادرست از شریعت

این بخش را می‌توان زیرمجموعه بخش قبل دانست، ولی به دلیل اهمیت، ما آن را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم. فهم نادرست از مذاهب و سطحی‌نگری دینی مهم‌ترین بستر درونی افراد برای گرایش به تکفیری‌گری است. البته، همه مذهبی‌ها به تکفیر مبتلا نمی‌شوند حتی اگر در وضعیت اقتصادی نامناسبی به سر برده باشند. از این‌رو، تکفیر معمولاً دامن‌گیر افرادی می‌شود که از درکی سطحی و ظاهری از شریعت برخوردار هستند. این شریعت می‌تواند هر دین و آئینی باشد. به عنوان مثال برخی از تکفیری‌ها تا قبل در کیش مسیحیت بوده‌اند. با این حال، همه این افراد در زمان تکفیر به دین اسلام رجوع خواهند کرد. مسئله آن است که این افراد برداشتی ظاهری و سطحی از دین داشته‌اند و این برداشت را در زمان تکفیر نیز به دین اسلام تسری داده‌اند. سطحی‌نگری دینی آن‌ها را در مقابل گروه‌هایی حالت انفعالی دارند که احساسات مذهبی را بر می‌انگیزانند و بیش از عقلانیت بر احساسات دامن می‌زنند.

۵.۳ حمایت‌های دولت‌ها از گروه‌های تکفیری

دولت‌ها معمولاً از ایجاد ناآرامی توسط گروه‌های تکفیری در کشورهای رقیب خود دارای منفعت هستند. این ناآرامی‌ها می‌تواند زمینه توسعه نفوذ آن‌ها را به مناطق دیگر مهیا سازد. به علاوه، این ناآرامی‌ها می‌تواند با جذب عناصر خطرناک بالقوه از کشور و ورود آن‌ها به کشوری دیگر، در کوتاه‌مدت امنیت بیشتری را برای کشور اول به همراه داشته باشد. البته، این ثبات در کوتاه‌مدت است، زیرا ایجاد گروه‌های تکفیری مثل شمشیر دولبه برای حامیان خود است و ریسک زیادی دارد. به علاوه، ممکن است عوامل تکفیری بعد از مدتی به کشورهای قبلی خود باز گردند و این



بازگشت با ریسک بسیار بیشتری برای آن کشورها همراه خواهد بود، زیرا عوامل ناامن‌کننده بعد از الحاق به گروه‌های تکفیری از آموزش‌های عقیدتی و نظامی زیادی بهره‌برده‌اند که قدرت عملیاتی آن‌ها چه در جذب سایر افراد و چه در عملیات روانی یا تخریبی را چند برابر نموده است.

هرچند در کوتاه‌مدت بسیاری از رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی از وجود ناامنی توسط گروه‌های تکفیر سود می‌برند، اما آن‌ها حاضر نیستند تا به صورت علنی از پیدایش یا تقویت این گروه‌ها حمایت به عمل آورند. هنجارهای بین‌المللی، سود ناشی از حمایت ظاهری از صلح و ریسک زیاد و غیرقابل پیش‌بینی بودن گروه‌های تکفیری مانع از آن می‌شود که دولت‌ها علنی به حمایت از این گروه‌ها بپردازند. البته همین حمایت غیرعلنی نیز به دو صورت انجام می‌گیرد: (۱) حمایت مستقیم غیرعلنی؛ (۲) چشم‌پوشی، سهل‌انگاری یا مماشات در برابر ایجاد یا تقویت گروه‌های تکفیری.

۱. حمایت مستقیم غیرعلنی: حمایت مستقیم غیرعلنی نمونه‌ای است که آمریکا در جریان جنگ شوروی در افغانستان از تأسیس القاعده به عمل آورد. در آن زمان ایالات متحده برای مقابله با شوروی مستقیماً به حمایت از مجاهدین عرب افغان اقدام ورزید. حمایت‌های عربستان سعودی در مسیر تقویت القاعده و حمایت‌های قطر از اخوان‌های تکفیری نمونه‌هایی از حمایت‌های مستقیم غیرعلنی هستند. معمولاً کشورهای منطقه‌ای که بی‌ثباتی در آن متمرکز است به حمایت مستقیم غیرعلنی از تکفیری‌ها - چه در زمان تأسیس و چه جهت تقویت آن‌ها - اقدام می‌ورزند، زیرا این کشورها بیش از همه در معرض فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از فعالیت این گروه‌ها قرار دارند و گرایش دارند تا بحران‌های داخلی خود را با بهانه‌آفرینی در خارج از مرزها برای مدتی مسکوت گذارند.

۲. چشم‌پوشی، سهل‌انگاری یا مماشات: نه تنها در مواجهه با تکفیری‌ها، بلکه



در مواجهه با بسیاری از گروه‌های تندرو و افراطی مثل نازیسم و فاشیسم نیز این روش مورد استفاده دولت‌ها قرار گرفته است. مماشات قدرت‌های اروپائی در برابر اقدامات هیتلر به توسعه فعالیت‌های نازیسم و در نهایت جنگ جهانی دوم ختم شد. در خاورمیانه نیز حتی اگر قبول نمائیم که قدرت‌های بین‌المللی به روش حمایت مستقیم غیرعلنی در ایجاد یا تقویت برخی گروه‌ها همچون داعش، النصرة و القاعده نقش نداشته‌اند، نمی‌توان این فرضیه را رد نمود که آن‌ها از روش مماشات در مواجهه با این گروه‌ها بهره برده‌اند. قدرت‌های بین‌المللی نظیر آمریکا، روسیه و بریتانیا از توانایی‌های زیاد اطلاعاتی و عملیاتی برخوردار هستند که ابزارهای نوین نیز در این راه به آن‌ها یاری رسانیده است. باور نمودن این موضوع دشوار است که این ابرقدرت‌ها از شکل‌گیری یا مکانیزم تقویت و انتشار این گروه‌ها بی‌خبر بوده‌اند. با این حال، روش مماشات معمولاً از جانب قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه صورت گرفته است، زیرا آن‌ها در مقابل مسائل بی‌ثبات‌کننده مناطقی دور از خود حوصله بیشتری دارند و سعی می‌کنند بعد از ایجاد این گروه‌ها و بررسی آن‌ها، مدیریت آن‌ها را در دست گیرند. از این‌رو غلبه معمولاً رویکرد مدیریت بحران بر رویکرد تأسیسی در مواجهه با این گروه‌ها در خاورمیانه از ناحیه قدرت‌های بین‌المللی بیشتر بوده است.

۵.۴. نهادینگی ضعیف

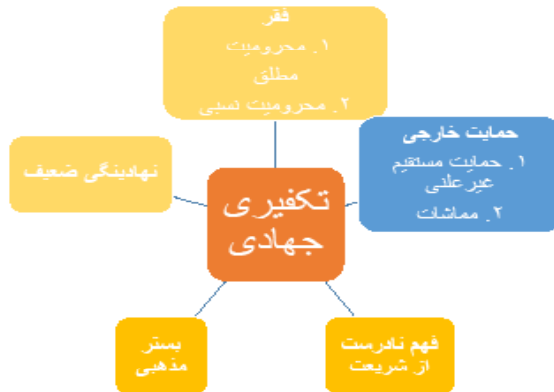
این گروه‌ها می‌توانند در هر نقطه از جهان شکل گیرند، ولی معمولاً در نقاطی شکل می‌گیرند که از نهادینگی سیاسی ضعیفی برخوردار هستند. به علاوه، منطقه تحت فعالیت آن‌ها الزاماً جایی است که نهادینگی سیاسی آن پائین است. در نهادینگی ضعیف، شکاف میان دولت و ملت زیاد است، قانون‌گرایی از ناحیه نخبگان سیاسی و



مردم ضعیف است، نه دولت از انسجام و قدرت سیاسی و اقتصادی مناسب برخوردار است و نه سازمان‌های مدنی و اجتماعی و احزاب و گروه‌های قانونی توانمندی حاضر هستند تا مدیریت امور اجتماعی و سیاسی را در دست بگیرند و نگذارند تا مسائل از چارچوب قانونی خارج شوند. از این‌رو، گروه‌های تکفیری برای فعالیت خود در این مناطق نه از جانب دولت و نه از جانب ملت احساس تهدید ندارند و این موضوع به آن‌ها جسارت می‌دهد تا اقدامات خود را علنی سازند. القاعده، النصره، داعش، لشکر طیبه و سایر گروه‌های تکفیری در کشورهای فعال هستند که نهادینگی ضعیفی دارند. متأسفانه، خاورمیانه و شمال آفریقا مملو از این کشورها است و لذا بستری مناسب برای فعالیت آن‌ها را فراهم نموده است. باید توجه نمود که در عرصه داخلی نهادینگی قوی مهم‌ترین موضوعی است که شرایط را برای فعالیت تکفیری‌ها مسدود می‌سازد. تکفیری‌های جهادی بقای خود را در شرایط بی‌ثبات و ناآرام شکل و توسعه می‌دهند و از این‌رو، حفظ ثبات با ماهیت عملیاتی آن‌ها در تضاد است. ممکن است کلیه زمینه‌های اقتصادی، فکری و عقیدتی و حمایت‌های خارجی برای ایجاد و توسعه فعالیت‌های تکفیری فراهم باشد، ولی کلیه آن‌ها حداکثر در زمره شرایط کافی قرار می‌گیرند، چراکه شرط لازم این فعالیت وجود نهادینگی ضعیف است. از این‌رو، حتی اگر زمینه ایجاد و فعالیت گروه‌های تکفیری در یک کشور فراهم باشند، ولی آن کشور از نهادینگی مناسبی برخوردار باشد، این گروه‌ها در آن فعال نخواهند شد و به دنبال محل دیگری برای فعالیت خود خواهند بود. عراق، مصر، عربستان، یمن، اردن، افغانستان، پاکستان و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه از نهادینگی سیاسی ضعیفی برخوردار هستند و از این‌رو به محل‌هایی پرریسک برای تأسیس و توسعه گروه‌های تکفیری مبدل شده‌اند.



شکل ۲: شرایط ایجاد تکفیری جهادی



همان‌طور که در تصویر بالا مشاهده می‌شود، فقر گرچه یکی از عوامل مهم شکل‌گیری تکفیرگری به‌ویژه در رابطه با نیروهای صف و سربازان است اما تنها عامل نیست. فقر در کنار سایر عوامل می‌تواند به تکفیرگری منتهی شود. در تصویر بالا عامل فقر و نهادینگی بیشتر از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی داخلی، عوامل بستر مذهبی و فهم نادرست از شریعت بیشتر در زمره عوامل فردی و عامل حمایت خارجی در زمره عوامل خارجی قرار می‌گیرند. لذا مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، فردی و جمعی دست بدست هم می‌دهند تا تکفیری جهادی شکل گیرد یا توسعه یابد. ممکن است برخی عوامل دیگری همچون واکنش منفی به عقاید مذهبی دیگر مثل مسیحیت و تشیع یا واکنش به توسعه سیاسی گروه‌های رقیب همچون شیعیان یا واکنش به انقلاب اسلامی را نیز از شرایط لازم برای تکفیر بدانند، اما اولاً این شرایط در زیرمجموعه فهم نادرست از شریعت قرار می‌گیرند و ثانیاً از عمومیت برخوردار نیستند. لذا ما شرایط دیگر را در مجموعه خود جای نداده‌ایم.



نتیجه گیری

می‌توان خلاصه، ملاحظات و راهکارهای پیشنهادی از این تحقیق را در موارد زیر فهرست نمود:

همان‌طور که دیدیم آمار دقیقی از رابطه میان فقر و تکفیر وجود ندارد، زیرا آمار موجود عقاید مذهبی را برابر با افراط‌گرایی دانسته‌اند. به علاوه، انجام تحلیل آماری از رابطه میان فقر و تکفیر در حوزه سربازان تکفیری بسیار دشوار است، زیرا آمار مناسبی از سرگذشت این سربازان در دسترس نیست. با این حال، می‌توان با نگاه به گذشته رهبران، رابطه میان فقر یا عقاید مذهبی با تکفیر را مورد تحلیل آماری قرار داد.

همان‌طور که دیدیم، در رابطه با رهبران شاهد ارتباط معنادار میان عقاید مذهبی و تکفیر بوده‌ایم، اما چنین ارتباطی در رابطه با اقتصاد و تکفیر و به عبارتی اقتصاد و خشونت‌گرایی و افراطی‌گری وجود نداشته است.

در مکانیزم تبدیل فقر به تکفیر ملاحظه شد که مهمترین گلوگاه‌ها در مرحله سوم قرار داشته است. از این‌رو، اگر بتوان از ورود افراد به گروه‌های تبهکار و غیرقانونی ممانعت به عمل آید، می‌توان تا حدود زیادی فرایند وصول فقر به تکفیر و خشونت و افراطی‌گری را پیشگیری و کنترل کرد.

همچنین، فقر به تنهایی نمی‌تواند به تکفیر و خشونت و افراطی‌گری منتهی شود. این موضوع حتی در استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تأیید شده است. فقرای زیادی در جهان هستند که هرگز به تکفیر دچار نمی‌شوند. از این‌رو، فقر در کنار عوامل دیگری همچون وجود بستر مذهبی، فهم نادرست از شریعت، حمایت دولت‌ها و نهادینگی ضعیف به تکفیر و تقویت موج خشونت و افراطی‌گری منتهی شود.



در جوامع پیشرفته معمولاً فقر در قالب احساس یا به عبارت دیگر محرومیت نسبی به تکفیر منتهی می‌شود و در جهان سوم، فقر در قالب محرومیت مطلق به تکفیر منتهی می‌شود. در کشورهای پیشرفته، مسلمانان تحت تبعیض هستند و در نتیجه نسبت به سایرین فقیرتر هستند. بیش از دو پنجم مسلمانان لندن در یک تحقیق، بیکار بوده‌اند. از این‌رو، احساس تبعیض آن‌ها را به محرومیت نسبی سوق می‌دهد که می‌تواند در کنار سایر شرایط مقدمه‌ای برای الحاق به تکفیر و و جریان های خشونت‌گرا و افراطی باشد.

اگر گرایش‌ات تکفیری به علت تأمین درآمد و برطرف نمودن نیازهای مالی باشد، این در ابتدا خطر چندانی ندارد، چون در نهایت دل افراد با آنها نیست و لذا میزان همراهی آن‌ها با تکفیری‌ها سطحی خواهد بود. اما، با گذر زمان، فرد به علت رابطه میان عین و ذهن تحت تأثیر کمک‌های مالی تکفیری‌ها قرار می‌گیرد و به سرعت تحت تأثیر عقاید کسانی قرار می‌گیرد که به تأمین زندگی وی پرداخته‌اند. به علاوه، استفاده تکفیری‌ها از عوامل احساساتی در عوض عوامل خردگرایی دینی چشم افراد را بیش از پیش به واقعیت شریعت خواهد بست و از این‌رو به سرعت منطق تکفیری برای این افراد نیز نهادینه می‌شود و از آن زمان به بعد همراهی بسیار زیادی با آن‌ها خواهد داشت و به یک تهدید واقعی مبدل می‌شود.

شاید گرایش‌ات اولیه تکفیری‌ها و گروه‌های افراطی به علل مالی وابسته باشد، اما ادامه این گرایش‌ات مالی نیست، بلکه هویتی است. یعنی افراد احساس تعلق به این تفکرات پیدا می‌کنند و آن‌را منجی خود از آلودگی‌ها، گناهان و بدبختی‌های دنیوی و اخروی می‌دانند.

خیلی از تکفیری‌ها به خاطر کمک‌های مالی به آن‌ها پیوسته‌اند ولی بسیاری از آن‌ها نه برای کسب پول بلکه برای کسب هویت به این گروه‌ها پیوسته‌اند، درحالی



که اغلب آن‌ها نیز از مشکلات مالی و احساس تبعیض برخوردار بوده‌اند. این موضوع بسیار خطرناک است زیرا این افراد دیگر حتی با پیشنهاد پول و تطمیع نیز حاضر به تغییر دیدگاه‌های خود نیستند. لذا، حتی بسیاری از تکفیری‌ها که در ابتدا صرفاً برای کسب درآمد به این گروه‌ها ملحق شده بودند، بعد از مدتی حاضر به کشتار مردم فقیر و بی‌گناه در پاکستان و افغانستان نیز می‌شوند.

از این‌رو، در فرایند ورود فرد به گروه‌های تکفیری باید به سرعت عمل نمود و فرد را از آن‌ها جدا نمود، زیرا به سرعت شخص هویت خود را به این گروه‌ها پیوند می‌دهد و به عنصری بسیار خطرناک مبدل می‌شود.

رسوخ عقاید تکفیری تنها یکی از علل رفتارهای خشن تکفیری‌ها و عملیات‌های انتحاری است. بسیاری از تکفیری‌ها به آن دلیل به اقدامات خشونت‌آمیز و انتحاری دست می‌زنند که چاره‌ای برای خروج از این گروه‌ها ندارند و لذا مرگ را بر زنده ماندن ترجیح می‌دهند. تهدید و تطمیع نیز علل دیگری هستند که به انجام چنین کارهایی از سوی افراد این گروه‌ها منتهی می‌شوند.

از این‌رو، تکفیری‌ها نیز به لحاظ رسوخ افکار تکفیری با یکدیگر متفاوتند و بسیاری از آن‌ها را می‌توان مجدد به مسیر سلامت باز گردانید. لذا نباید همه آن‌ها را با یک چوب تنبیه نمود و با این کار آن‌ها را به سمت عقاید تکفیری سوق بیشتری داد. البته شناخت میزان سطح و عمق عقاید تکفیری در افراد این گروه‌ها کاری بسیار پیچیده و روانشناسانه است. می‌توان با شناسایی این افراد، زمینه‌های نفوذ به گروه‌های تکفیری از درون خود آن‌ها را فراهم آورد. مسلماً ضرات داخلی به این گروه‌ها از ضربات خارجی به آن‌ها اثربخش‌تر هستند و شالوده فکری آن‌ها را با چالش بیشتری مواجهه می‌سازند.



منابع

- 1- <http://www.theguardian.com/world/2014/jul/06/abu-bakr-al-baghdadi-isis>
- 2- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10948846/How-a-talented-footballer-became-worlds-most-wanted-man-Abu-Bakr-al-Baghdadi.html>
- 3- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10948846/How-a-talented-footballer-became-worlds-most-wanted-man-Abu-Bakr-al-Baghdadi.html>
- 4- McCone, David R.; Scott, Wilbur J. & Mastroianni, George R. (January 8, 2008), THE 3RD ACR IN TAL'AFAR: CHALLENGES AND ADAPTATIONS, Department of Behavioral Sciences & Leadership United States Air Force Academy, Colorado Springs.
- 5- Leaster, Charles, Slamic State Senior Leadership: Who's Who.
- 6- Inside the leadership of Islamic State: how the new 'caliphate' is run: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10956280/Inside-the-leadership-of-Islamic-State-how-the-new-caliphate-is-run.html>
- 7- Brutal Efficiency: The Secret to Islamic State's Success: <http://www.wsj.com/articles/the-secret-to-the-success-of-islamic-state-1409709762>
- 8- "Military Skill and Terrorist Technique Fuel Success of ISIS" New York Times. 27 August 2014.



9- Heras, Nicholas A. (March 31, 2014), ABU AYMAN AL-IRAQI DIRECTS ISIS OPERATIONS IN EASTERN SYRIA, Volume: 5 Issue: 3: [http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews\[tt_news\]=42166&no_cache=1#.VFBiHek9Jy0](http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews[tt_news]=42166&no_cache=1#.VFBiHek9Jy0)

10-<http://www.nbcnews.com/storyline/iraq-turmoil/key-players-whos-who-battle-iraq-n130981>

11-Exclusive: Top ISIS leaders revealed:<http://english.alarabiya.net/en/News/2014/02/13/Exclusive-Top-ISIS-leaders-revealed.html>

12- OWEIS, KHALED YACoub (Feb 15, 2013), Syrian opposition won't talk to officials linked to crackdown: <http://www.reuters.com/article/2013/02/15/us-syria-crisis-idUSBRE91E0L320130215>

13- 'Omar The Chechen' Should Come Home, Says Dad, 11 July 2014: <http://news.sky.com/story/1298930/omar-the-chechen-should-come-home-says-dad>

14- Cullison, Alan (19 November 2013). ["Meet the Rebel Commander in Syria That Assad, Russia and the U.S. All Fear"](#). The Wall Street Journal.

15-Murad Batal al-Shishani (3 December 2013), Syria crisis: Omar Shishani, Chechen jihadist leader: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-25151104>

16- ROGgio, BILL, [Chechen commander forms 'Army of Emigrants,' integrates Syrian groups](#): http://www.longwarjournal.org/archives/2013/03/chechen_jihadist_for.php

17- The Economist (May 5th 2011), Osama bin Laden: <http://www.economist.com/node/18648254>

18-<http://www.mirror.co.uk/news/uk-news/osama-bin-ladens-bodyguard-i>



had-orders-126430

19- <http://fa.wikipedia.org>

20- Sichor, Yitzhak (2006). "[Fact and Fiction: A Chinese Documentary on Eastern Turkestan Terrorism](#)". China and Eurasia Forum Quarterly (Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program) 4 (2): pp.89–108.

21- Raman. B (2005-01-27). "[Paper no. 1232: Explosions in Xinjiang](#)". South Asia Analysis Group. Archived from [the original](#) on ۲۷-۰۹-۲۰۰۷.

22- Swami, Praveen, Pakistan and the Lashkar's jihad in India: <http://www.the-hindu.com/todays-paper/tp-opinion/article1447211.ece>

23- "[Maulana Masood Azhar](#)". Kashmir Herald (kashmiri-pandit.org) 1 (8). January 2002.

24- "[Dokka Umarov: A Hawk Flies to the Ichkerian Throne](#)". Prague Watchdog. 20 June 2006.

25- "[Latest Report Of Umarov's Death Leaves Details Unclear](#)". Rferl.org. 25 August 2013.

26- Boko Haram: The Emerging Jihadist Threat in West Africa, December 12, 2011: <http://www.adl.org/combating-hate/international-extremism-terrorism/c/boko-haram-jihadist-threat-africa.html>

27-Does Poverty Cause Extremism?: <http://borgenproject.org/poverty-cause-extremism/>

28- [Doku Umarov's father killed in Chechnya](#), Caucasian Knot, 20 April 2007;



accessed 18 March 2014: <http://eng.kavkaz-uzel.ru/articles/5716>

29- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931010000390>

30- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/350228/>

31- Kevin Daniel Leahy, From Racketeer to Emir: A Political Portrait of Doku Umarov, Russia's Most Wanted Man, *Caucasian Review of International Affairs*, Vol. 4 (3) - Summer 2010: http://www.cria-online.org/12_4.html

32- Latest Report Of Umarov's Death Leaves Details Unclear: <http://www.rferl.org/content/caucasus-report-umarov-death/25301540.html>

33- Nigeria sect head dies in custody: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/8177451.stm>

34- Nigeria sect leader defends killings in video, Jan 12, 2012: <http://af.reuters.com/article/topNews/idAFJ0E80B01D20120112>

35- Nigeria's Boko Haram leader Abubakar Shekau in profile, 9 May 2014: <http://www.bbc.com/news/world-africa-18020349>

36- Statement of Presidential Administration of Chechen Republic of Ichkeria, 21 June 2006: <https://web.archive.org/web/20060707092252/http://www.chechenpress.co.uk/english/news/2006/06/23/01.shtml>

